

سی.اچ. کیتسون

# ہارمونی کلاسیک

ترجمہ مصطفیٰ کمال پور تراب

---

سرشناسه	: کیتسون، چارلز هربرت، ۱۸۷۴-۱۹۴۴ م. Kitson, Charles Herbert
عنوان و نام پدیدآور	: هارمونی کلاسیک / سی. اچ. کیتسون؛ ترجمه مصطفی کمال پورتراب.
مشخصات نشر	: تهران، نیلوفر، ۱۳۷۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۵۲ ص، پارتیسیون.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۸-۵۳۳-۶
یادداشت	: عنوان اصلی: Contrapuntal harmony for beginners
موضوع	: هارمونی کنترپوان.
شناسه افزوده	: پورتراب، مصطفی کمال، مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۷۵ ۹۵۲ ک / MT ۵۸
رده‌بندی دیویی	: ۷۸۱/۲۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۱۸۲-۷۵ م

---



انتشارات بتهوون خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

سی. اچ. کیتسون

### هارمونی کلاسیک

ترجمه مصطفی کمال پورتراب

ویراستار: کاظم فرهادی

حروفچینی: زنده‌دل

چاپ گلشن

چاپ اول: ۱۳۷۵

چاپ دوم: تابستان ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

## فهرست

پیشگفتار ..... ۷

### بخش اول

مقدمه	۱۳
فصل اول: کار تمرینی تربیت گوش در گام ماژور دیاتنیک	۱۵
فصل دوم: آکوردهای سه صدایی اصلی گام‌های ماژور در حالت پایگی	۲۱
فصل سوم: آکوردهای درجه‌های اصلی در حالت پایگی در تنالیت‌های مینور	۳۴
فصل چهارم: درجه‌های Ila و Via در تنالیت‌های ماژور؛ درجهٔ Via	
در تنالیت مینور	۴۰
فصل پنجم: معکوس اول آکوردهای سه صدایی در تنالیت‌های ماژور	۵۲
فصل ششم: بعضی آکوردهای معکوس اول در تنالیت‌های مینور	۶۴
فصل هفتم: گام مینور ملودیک	۷۲
فصل هشتم: نت‌های دیاتنیک گام به صورت پاساژ در تنالیت‌های ماژور	۷۶
فصل نهم: نت‌های دیاتنیک گام به صورت پاساژ در تنالیت‌های مینور	۸۵
فصل دهم: آکورد $\frac{6}{4}$ (چهار و شش)	۹۰
فصل یازدهم: نت‌های اپوژیاتور (پاساژ در ضرب قوی)	۱۰۱
فصل دوازدهم: آکورد هفتم نمایان	۱۰۶
فصل سیزدهم: آکوردهای پنجم کاسته در حالت پایگی، آکوردهای پنجم	
افزوده در حالت پایگی و معکوس اول	۱۱۶
فصل چهاردهم: آکورد میانی در تنالیت ماژور	۱۲۱
فصل پانزدهم: نت‌های کمکی (نت‌های پرودری)	۱۲۴
ضمیمهٔ فصل یازدهم	۱۳۰

### بخش دوم

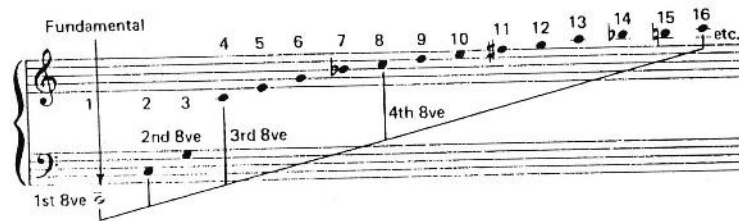
۱۳۵	مقدمه
۱۳۷	فصل اول: آکوردهای هفتم دیاتنیک
۱۴۸	فصل دوم: موارد استفاده خاص آکوردهای هفتم دیاتنیک
۱۵۵	فصل سوم: نت‌های برودری تبدیلی، عجله (پیش‌نت) و نت‌های پاساژ کروماتیک
۱۶۵	فصل چهارم: مُدگردی (مدولاسیون) مقدماتی (a)
۱۷۹	فصل پنجم: مدولاسیون مقدماتی (b)
۱۸۷	فصل ششم: تأخیر
۲۰۰	فصل هفتم: آکورد نهم نمایان
۲۰۸	فصل هشتم: آکورد سیزدهم نمایان
۲۲۲	فصل نهم: تمرین‌های اضافی
۲۵۰	ضمیمه فصل پنجم

### بخش سوم

۲۵۳	مقدمه
۲۵۵	فصل اول: آکوردهای کروماتیک روتنیک سه صدایی و آکوردهای هفتم آن‌ها
۲۶۵	فصل دوم: آکوردهای کروماتیک روتنیک سه صدایی نهم و سیزدهم
۲۷۶	فصل سوم: آکوردهای نامطبوع تنیک کروماتیک
۲۸۵	فصل چهارم: آکوردهای سه صدایی اصلی کروماتیک
۲۹۶	فصل پنجم: آکوردهای ششم افزوده
۳۰۴	فصل ششم: پدال‌ها
۳۱۵	فصل هفتم: تمرین‌های اضافی
۳۲۳	فصل هشتم: نوشتن برای همراهی (اکومپانیمان)
۳۳۴	فصل نهم: واریاسیون‌های ساده برای پیانو
۳۵۰	یادآوری درباره تمرین‌ها

## پیشگفتار

واژه هارمونی (harmony) یا هماهنگی که از هارمونیکز (harmonics) یا هماهنگ‌ها گرفته شده علمی است که قواعد آن به منظور ایجاد نظمی در ترکیب و تسلسل اصوات موسیقی و آکوردها پایه گذاری شده است. همان گونه که نور خورشید در برخورد با قطره‌های باران تجزیه می‌شود و با رنگ‌های مرئی قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی و بنفش قوس قزح را به وجود می‌آورد، هر یک از اصوات موسیقی نیز در شرایط معینی تجزیه می‌شوند و اصواتی را به وجود می‌آورند که آن‌ها را هارمونیکز یا اصوات فرعی می‌نامند. مثلاً اگر بم‌ترین سیم ویلنسل را به عنوان مبنا (base) و هارمونیک نخست به صدا درآورند صداهای فرعی تا حد هارمونیک شانزدهم به این ترتیب است:



توضیح: هارمونیک یازدهم در واقع فادیز نیست بلکه با دارا بودن نسبت  $11:1$  با صدای قبلی خود (می) قدری کوچک‌تر از نسبت  $1:1$  یعنی فاصله ر تا می است. اختلاف فاصله این هارمونیک نسبت به هارمونیک هشتم حدود سیزده ساوار بیش از فاصله چهارم درست واقعی، یعنی هارمونیک‌های سوم و چهارم است. ساوار واحد فاصله موسیقی با لگاریتم اعشاری معادل  $0/001$  و نیم‌پرده در سیستم اعتدال مساوی معادل  $25/086$  ساوار یا  $100$  سنت (cent) یا یک پردنی است که به فلیکس ساوار (savart)  $1841 - 1791$  فیزیکدان فرانسوی منسوب است.

این آزمایش ثابت کرده است که هر یک از اصوات موسیقی صداهای دیگری را در درون خود دارند که گوش‌های حساس تربیت شده تعدادی از آن‌ها را با شدت‌های کمتری نسبت به مبنا می‌شنوند.



## هارمونی کلاسیک

به همین دلیل، موسیقی دانان بزرگ جهان سعی کردند قواعدی را تدوین کنند تا اصوات فرعی نیز به طور همزمان و همشدت همراه با اصوات اصلی شنیده شوند. به طوری که ملاحظه می‌شود، فاصله‌های مطبوع کامل در موسیقی یعنی یکم و هشتم و پنجم درست از هارمونیک‌های یکم و دوّم و سوّم حاصل می‌شود و فاصله مطبوع مشترک (چهارم درست) بین هارمونیک‌های سوّم و چهارم است و آکورد ماژور (در این نمونه دو - می - سل) بین هارمونیک‌های چهارم و پنجم و ششم و آکورد پنجم کاسته (در این نمونه می - سل - سی بمل) بین هارمونیک‌های پنجم و ششم و هفتم و آکورد هفتم نمایان (در این نمونه دو - می - سل - سی بمل) بین هارمونیک‌های چهارم و پنجم و ششم و هفتم و همچنین گام ماژور (در این جا دو - ر - می - فا - سل - لا - سی - دو) بین هارمونیک‌های هشتم تا شانزدهم (به استثنای چهاردهم) قرار دارد. به همین دلیل، می‌توان گفت که مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده موسیقی به ترتیب اهمیت، صدا، ریتم و هارمونی است.

یا به عبارت دیگر، هارمونی در حکم الیافی است که ملودی را به ریتم پیوند می‌دهد. در واقع، هارمونی مجموعه اصواتی<sup>۱</sup> است که به شکل‌های مختلف و ایجاد جلوه‌های گوناگون سایه به سایه ملودی را همراهی می‌کند و در هر زمان به آن مفهومی تازه می‌بخشد.

هر مقام، سیستم، گام یا هر زبان موسیقایی دارای ویژگی‌هایی مخصوص به خود است و علم هارمونی وسیله‌ای است که آهنگسازان با استعداد و آگاه با استفاده از این ویژگی‌ها فضاها را خیال‌انگیز، متناسب با ملودی‌های آن زبان ایجاد می‌کنند. به عبارت

۱. احساس صوت که با وجود دستگاه شنوایی (گوش) حاصل می‌شود به طور مجزّد بی‌ارزش است و پس از آن که به یاری تجربیات و معلومات شنوده تعبیر و تفسیر شد، ارزش واقعی خود را (که در میان افراد مختلف از نظر زنتیکی، سلامت گوش، تربیت شدن گوش، داشتن معلومات موسیقی و غیره متفاوت است) می‌یابد و به ادراک حسی تبدیل می‌شود. مثلاً پس از شنیدن دو صوت احساسی به ما دست می‌دهد. ولی پس از آن که به یاری تجربیات ادراک شد مشخص می‌شود که این دو صوت از چه ساز یا سازهایی حاصل شده و چه فاصله‌ای با هم دارند، و حتی کیفیت این فاصله از نظر بزرگ یا درست یا کوچک یا افزوده بودن چیست.

و همچنین کدام یک از نظر شدت بر دیگری غلبه دارد.

دیگر، ملودی و هارمونی با اتحاد و یگانگی خود به عنوان تار و پود، بافت (Texture) موسیقی را به وجود می‌آورند. در پایان، به این نکته اشاره می‌شود که چون مؤلف در مقدمه هر فصل نکات ضروری را تشریح کرده است، بنابراین از هرگونه توضیح اضافه در این پیشگفتار پرهیز شده است.

م.ک. پ

## مقدمهٔ بخش اول

نخستین تصمیم من، در ابتدا، نوشتن یک کتاب هارمونی برای هنرجویان پیش‌رفته و کسانی بود که قادر به صرف وقت کافی برای شناخت آن باشند. ولی چون عدّهٔ زیادی از هنرجویان نیاز به رساله‌ای مقدماتی در این زمینه داشتند، کتاب حاضر را، که در واقع نخستین بخش هارمونی به شمار می‌رود، تهیه کردم. این بخش به قصد استفادهٔ مبتدیان و هنرجویان مؤسسات موسیقی، که می‌خواهند وقت کمتری به منظور آشنا شدن با نخستین اصول هارمونی صرف کنند، به صورت کوتاه و مختصر نوشته شده است. به همین دلیل، شاید این مورد برای کتاب هارمونی من نوعی مزیت به شمار رود. ضمناً لازم به یادآوری است که در این کتاب هیچ‌گونه کوششی به منظور تشریح تکنیک‌های مدرن به عمل نیامده است. بدیهی است که با توجه به این نکات، چنین اقدامی در کتاب حاضر غیرطبیعی خواهد بود.

در تدارک بخش اول آنچه که اساس تشخیص داده‌ام، مانند: الف) تربیت شنوایی (ear-training)، ب) اعمال ساختاری، ج) دیگر کارهای مفید غیراساسی، عنوان کرده‌ام تا اگر هنرجو وقت کافی برای انجام تمرین‌ها نداشت، دست کم او را به کاربرد آنچه که فرا گرفته است قادر سازد، حتی اگر در مراحل ابتدایی باشد.

سی. اچ. کیتسون



